



مفهوم فلسفه شهرهای اسلامی بر مبنای اصول پنج گانه اسلام و قرآن

جمال محمدی*

مهدی جمالی نژاد**

سیدمحمد رضا طلاکش***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱۵

چکیده

امروزه در جهان اسلام، اهالی شهرها بیشتر مسلمان هستند. اختلاف طبقاتی شدید، آسیب های اجتماعی، آشفتگی جوامع و نظایر آن ها نیز حاکی از این موضوع است. این موضوع به خاطر عدم بکارگیری مبانی ناب اسلامی و همچنین احاطه فرهنگ غرب بر زندگی مسلمانان است. دین اسلام دارای اصولی است که مبنای هر حرکتی در جهان اسلام است. این اصول عبارتند از «نبوت، امامت، عدل، توحید و معاد» که می توانند به منظور دستیابی به چهارچوبی مطمئن بکار گرفته شوند؛ در حالی که در شهرهای جهان اسلام امروزی، اصول برنامه ریزی شهری بیشتر از فرهنگ غربی مشتق می شود.

کلیدواژه ها: فلسفه شهر اسلامی، شهر مسلمان نشین، برنامه ریزی شهری.

* عضو هیئت علمی، دانشکده جغرافیای دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. s.mohammad_takesh@yahoo.com

** دانش آموخته جغرافیا برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

*** دانش آموخته جغرافیا برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۱. مقدمه

امروزه در جهان اسلام، بیشتر شهرها مسلمان‌نشین هستند و کمتر شهر اسلامی از لحاظ مفهوم واقعی مشاهده می‌شود. اختلاف طبقاتی شدید، آسیب‌های اجتماعی، آشفتگی جوامع و امثال آن حاکی از این موضوع است. این امر نیز به خاطر عدم به کارگیری مبانی ناب اسلامی و همچنین احاطه فرهنگ غرب بر زندگی مسلمانان است. دین اسلام دارای اصولی است که مبنای هر حرکتی در جهان اسلام است. این اصول عبارتند از: «نبوت، امامت، عدل، توحید و معاد». برنامه‌ریزی شهری یکی از علومی است که جایگاه مهمی در هدایت جوامع انسانی به سمت سعادت بشری دارد و این برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به چهارچوبی مطمئن، نیاز به اصول خاص خود دارد. در شهرهای جهان اسلام امروزی، این اصول بیشتر از فرهنگ غربی مشتق می‌شود. در این مقاله سعی شده است که از اصول اسلامی در برنامه‌ریزی شهری به عنوان چهارچوب اصلی استفاده شود و با توجه به شرایط زمانی و محیطی، فروع اسلامی نیز از این اصول مشتق می‌شود که مباحثه در باب فروع مشتق شده به دلیل وسعت میدان، خارج از این بحث است و نیاز به تحقیقات جامع دارد. در ادامه، به این اصول و کاربرد آنها در امور شهری پرداخته شده است.

۲. مبانی پژوهش

۲.۱. اصول نبوت و امامت

با توجه به نزدیکی مفاهیم نبوت و امامت در اینجا سعی شده است دو مقوله مذکور به صورت قیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

۲.۱.۱. نبوت شهری

سعادت بشر به اجرای دستورهایی بستگی دارد که پیامبران از جانب خدا برای بشر آورده‌اند. بنابراین پیامبران به نگارش قوانین الهی می‌پردازند که زمینه رشد و تعالی بشر را فراهم می‌سازد.

مقوله نبوت را می‌توان در زمینه رسول ظاهری و رسول باطنی مورد بررسی قرار داد. رسول ظاهری همان دین اسلام است که بر مبنای دستورات قرآن و سیره نبوی حرکت می‌کند و رسول باطنی، مقوله عقل بشری است که اصل نبوت با بهره‌گیری از این دو مقوله به تدوین قوانین و احکام بنیادی می‌پردازد.

به عبارتی اصل نبوت به کنترل اجتماعی جامعه اسلامی می‌پردازد؛ به عنوان مثال در برنامه‌ریزی شهری صرفه‌جویی یک قانون است که بر طبق آیات و احادیث تأکید بسیاری بر آن شده است و می‌توان آن را جزو اصل نبوت در برنامه‌ریزی شهر قرار داد؛ ولی راهکارهای رسیدن به آن با توجه به شرایط زمانی و مکانی جزو مقوله امامت می‌شود؛ به عنوان مثال، اصل صرفه‌جویی یکی از قواعد برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی است که در زمره نبوت شهری قرار می‌گیرد و راهکارهای رسیدن به اصل صرفه‌جویی در شرایط زمانی حال، شهر الکترونیک و استراتژی‌های توسعه پایدار است که قسمت دوم در زمره کار امامت شهری قرار می‌گیرد. در مقوله نبوت شهری، مهندسی اجتماعی بسیار حائز اهمیت است و تدوین قوانین باید به صورتی باشد که همه اقشار جامعه بتوانند به نحو احسن از آن استفاده کنند.

۲.۱.۲. امامت شهری

امامت در تفکر اسلامی و در میان متفکران و علمای اسلامی مسأله اساسی و از دغدغه‌های مشترک آن‌ها بوده است. فلاسفه و متکلمین در مبنای خود، دستیابی به کمالات بالقوه انسان را متوقف بر وجود یک نظم دنیوی همراه امامت و سیاست الهی می‌دانند (یوسفی‌راد، ۱۳۸۹: ۵۸).

در تعبیر و تعیین جایگاه فلسفی، امام به تعیین جهت و هدف‌گذاری جامعه می‌پردازد و حرکت عمومی جامعه را در مسیر و جهت عمومی قرار می‌دهد و خود، راهبری آن را بر عهده می‌گیرد و در طلب آنچه نظام فضیلت‌هاست برمی‌آید. او به این منظور، به تعیین جایگاه‌ها و ارزش‌ها، معین کردن افراد در شأن و جایگاه شایسته خود و تعیین قوانین و مقررات نظام عادلانه برمی‌آید. آنچه در رویکرد فلسفی، امامت را با نبوت جدا می‌کند، آن است که امام

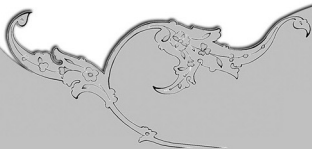
«سان» و «آوردنده شریعت» نیست، بلکه بر طبق شریعتی عمل می‌کند که قوانین جامعه بر اساس آن شریعت تنظیم و مدون شده است. در این صورت در رویکرد فلسفی، نبی قوانین ثابتی را در شریعت خود وضع می‌کند و آن‌ها از طریق وحی الهی دریافت می‌کنند؛ اما امام فراتر از قوانین ثابت، به صدور احکامی برمی‌آید که فقط هدایت و راهبری جامعه آن‌ها را اقتضا داشته است (یوسفی‌راد، ۱۳۸۹: ۶۱).

خواجه نصیرالدین طوسی به ملاحظه لوازمات ذاتی و عقلی یک جامعه سیاسی، به ویژه در بررسی قانون، میان نبی و امام تمایز قایل می‌شود. وی قانون را برای جامعه سیاسی، ضروری و واجب عقلی می‌داند به همین دلیل، کارکرد اولی و اساسی نبوت را قانون‌گذاری و او را به عنوان «سان» و واضح قانون می‌داند. چنین قانونی تا مادامی که این جامعه تغییر نکند ثابت است و نبی، آن‌ها را برای تنظیم زندگی مردم از طریق وحی دریافت می‌کند. «وکان هذا الانسان هو الذی یوحی الیه . . . فیکون . . . بما یقیض منه الی قوته المتخیله بنیاً منذراً» (فارابی، ۱۹۹۱: ۱۲۵).

اما وی در کنار قانون، بر اساس دستگاه فلسفی خود، تعیین هدف و غایت را نیز برای جامعه قائل است که جامعه به فردی نیاز دارد که در رأس آن قرار گیرد که هادی جامعه، به سوی هدف معین شده باشد و تا دستیابی به جامعه مطلوب و استقرار فضیلت‌ها، آن را رهبری کند. چنین جامعه‌ای به تعیین سیاست‌های مطابق با هدف جامعه و تأسیس نهادهای مورد نیاز و تعیین معیارهای متناسب نیاز دارد که پیوسته احکامی را وضع یا تغییر دهد و یا احکامی را از اعتبار ساقط کند.

امام مقتضی است به ایجاد نظم و امنیت و رفع ظلم برآید و مردم تکالیف عبادی و سیاسی - اجتماعی خود را به خوبی انجام دهند. متکلمان به این نوع دغدغه (دغدغه انجام تکالیف) توجه ویژه‌ای دارند. شیخ مفید در تعریفی که از امام ارائه داده، نشان می‌دهد که امام جای انبیا را در اعتبار و اجرای احکام خداوند و تأدیب خلفاکاران دارد.

خواجه طوسی سیاست امام را ترغیب عموم مردم در حفظ مصالح خود، نظیر تکالیف و خیرات و بازداشتن مردم از خلاف مصالح دینی و دنیوی آن‌ها می‌داند. «ریاسه عامه دینیه



مشملة علی ترغیب عموم الناس فی حفظ مصالحهم الدینیه والدنیویه وزجرهم عما یضدهم بحسبها». در رویکرد فلسفی، دغدغه اساسی امام، سعادت افراد جامعه است؛ ولی آن را از طریق اعمال سیاست و بسترسازی مناسب فراهم می کند (طوسی، ۱۳۶۹: ۲۸۵). بنابراین شناخت آنچه سعادت آور است، ولی علم و معرفت و عقل بشری را بدان راهی نیست، خداوند از طریق پیامبر بر انسان عطا می فرماید:

«وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» (نساء/۱۱۳). خداوند به وسیله پیامبر، آنچه را انسان از درک مصالح و مفاسد خود عاجز است ابلاغ می کند (حمصی رازی، ۱۴۱۲: ۳۷۳ و ۳۷۴). اما آنچه می تواند جامعه را «ایصال الی المطلوب» کند، امام است.

امام در جامعه، هادی و رساننده به کمال است و هر آنچه رساننده به کمال باشد، به حکم عقل، وجودش ضروری است. پس وجود امام به منظور هدایت جامعه در رسیدن به مطلوب و کمالات ضروری است. البته می توان به حکم عقل ضرورت امامت و امام را از منظر «انسان کامل» و جایگاه او در سلوک الی الحق بررسی کرد؛ آن گونه که صدرالمتألهین تحلیل کرده و می گوید:

«ان عماره العالم الارض و وجود افراد الانسان وسائر الحیوانات و غیرها من الکائنات انما یکون بوجود العالم الربانی» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۹۶ - ۲۹۹).

همچنین استاد مرتضی مطهری نیز این منظر را مورد تأکید قرار داده است (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۴۸).

از نظر شیعه مسأله ولایت و امامت از سه جنبه مطرح می شود:

- الف. جنبه سیاسی که شامل هدایت سیاسی و اجتماعی مسلمانان می شود.
- ب. جنبه تداوم که بعد از پیغمبر باید به چه کسانی رجوع کرد و چگونه رحمت امام بر سر جهانیان تا قیامت سایه بيفکند.
- ج. جنبه شرایط زمانی و مکانی که شیعه معتقد است که در هر زمان یک انسان که نفوذ عینی دارد، دارای نوعی تسلط تکوینی بر جهان و انسان است.

نبوت و امامت می‌تواند به صورت توأم در یک جایگاه به کار گرفته شود؛ مانند حضرت ابراهیم و حضرت محمد ﷺ.

از طرفی پیامبر گرامی و عترت او همان حقیقت قرآن‌اند و اهل بیت ایشان کسانی هستند که علم ملکوتی جمیع کتب آسمانی را دارا هستند و در عالم خلقت فقط این خاندان هستند که خداوند آن‌ها را تکویناً طیب و طاهر آفریده و آیه تطهیر را دربارهٔ آنان نازل کرده و چنین فرموده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

(احزاب/۳۳). خداوند چنین اراده کرده است که رجس و آرایش را از شما

خاندان نبوت بزدايد و شما را از هر عيب پاک و منزه گرداند.

(انما) حرف انحصار است و (يُرِيدُ اللَّهُ) اشاره به ارادهٔ تکوینی خداوند دارد و در صورتی

که اراده، تشریعی باشد، انحصار به خاندان پیامبر نمی‌شود، بلکه همهٔ مردم را در بر می‌گیرد (ممتحن، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

۱.۲.۱. وجوه اشتراک در هدف، و جایگاه و کارکرد امام و کاربرد آن در برنامه‌ریزی شهری

الف) اصل هدایت‌گری در جامعه با توجه به اهداف تعیین شده.

ب) اصلاح قوانین و احکام با توجه به شرایط مکانی و زمانی.

ج) تداوم.

د) اصل کمال از لحاظ علم، تقوی و جامع‌نگری.

ه) برقرارکننده نظم، امنیت و عدالت.

و) اصل عصمت و دوری از خطا و اشتباه.

الف. قاعده هدایت‌گری جامعه با توجه به اهداف از پیش تعیین شده

با توجه به مطالب گفته شده، یکی از قواعد، اصل امانت در اصل هدایت‌گری جامعه

با توجه به اهداف تعیین شده است. در برنامه‌ریزی شهری این امر به صورت تدوین

استراتژی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت صورت می‌پذیرد. با توجه به این امر، هر برنامه و طرحی در شهر باید با اهداف از پیش تعیین شده طراحی شود و سپس طبق مسیر طراحی شده آن به جلو هدایت شود.

در برنامه‌ریزی شهری هدایت‌گری طرح‌ها و زمان‌بندی آن‌ها بسیار مهم است. یکی دیگر از کاربردهای هدایت‌گری، برای عملکرد رفتاری شهروندان استفاده می‌شود؛ به نوعی که قوانین فرعی به گونه‌ای تدوین شود که به صورت خود به خود، شهروندان را در جهت رعایت قوانین سوق دهد؛ به عنوان مثال با توسعه حمل و نقل عمومی مطلوب می‌توان جرایم رانندگی را کاهش داد.

ب. قاعده اصلاح قوانین و احکام با توجه به شرایط مکانی و زمانی

اصل امامت شهری باید دارای انعطاف‌پذیری بسیار بالایی باشد و با توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص قابل اصلاح باشد و به همگنی با آن شرایط برسد. یکی از خواص اصل امامت تطبیق اصول و سنن ناب اسلامی با شرایط محیطی و زمانی است. در زمینه شهری نیز به عنوان مثال طرح‌ها و قوانین شهری باید با حوادث غیرمترقبه و تغییرات در حین اجرا قابل همخوانی و اصلاح باشد، تا به این وسیله کارایی طرح به حداکثر برسد.

ج. قاعده تداوم

از مهم‌ترین خواص امامت در اسلام، تداوم آن است و ثبات نظام هستی بر اساس وجود امام است؛ همان‌گونه که ما از وجود امام زمان ، همانند یک خورشید پشت ابر بهره می‌بریم. قاعده تداوم در دو بحث در نظام شهری مطرح می‌شود:

الف. ثبات مدیریت شهری: عدم ثبات مدیریت و تعویض‌های ناپهنگام مدیریت، زبان‌های بسیار سنگین به نظام شهری وارد می‌کند. به عبارتی برای یک مدیر شهری هزینه و زمان صرف می‌شود تا مسیر را بشناسد؛ ولی به خاطر برخی مسائل سیاسی و امثال آن این هزینه و زمان تلف می‌شود.

ب. **پیوستگی طرح‌های شهری:** اگر پیوستگی در طرح‌های شهری رعایت شود، نتیجه‌ای پیوسته و مرتبط حاصل می‌شود. پیوستگی و تداوم یک طرح نیازمند استراتژی‌هایی از پیش تعیین شده است. عدم پیوستگی طرح‌ها، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به پیکره نظام شهری وارد می‌کند.

د. اصل کمال از لحاظ علم، تقوی و جامع‌نگری

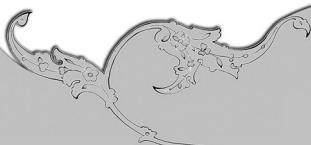
برای رعایت این اصل در امامت شهری، قوانین باید با توجه به علم روز تدوین شود و راهکارهای اجرایی با علوم و تکنولوژی دنیا همخوانی داشته باشد؛ به عنوان مثال، دنیای امروز، دنیای فناوری اطلاعات و تکنولوژی است، در قوانین باید این امر در نظر گرفته شود و شهرهای الکترونیک توسعه یابد و به این وسیله در زمان، انرژی و همچنین در هزینه‌ها صرفه‌جویی شود و محیط زیست نیز تخریب نشود. در برنامه‌ریزی شهری برای رسیدن به مقوله تقوی، خطاستیزی از اهمیت والایی برخوردار است. قوانین فرعی و راهکارهای اجرایی باید عاری از خطا باشد و با تغییر شرایط زمانی، نواقص آن قابل اصلاح باشد.

ه. قاعده برقراری نظم، امنیت و عدالت شهری

امامت شهری باید نماد نظم در امور شهری باشد. قاعده نظم در تدوین قوانین فرعی و راهکارهای اجرایی و اداره شهر از اهمیت بسیار والایی برخوردار است. در این راستا امنیت از لحاظ مختلف اجتماعی، شغلی و اقتصادی بسیار ارزشمند است و باعث آسایش و آرامش شهروندان می‌شود. این امنیت باید برای تمام اقشار و طبقات جامعه تأمین شود و در قوانین فرعی و راهکارهای اداره شهر مد نظر قرار گیرد. امامت شهری، اهرم اجرایی برقراری اصل عدل در امور شهری است.

و. اصل عصمت و دوری از خطا و اشتباه

امامت شهری باید از کمترین خطا و اشتباه برخوردار باشد. شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ، جای آزمون و خطا نیست. تاریخ نشان داده است که تصمیمات و برنامه‌های نادرست



شهری هرچند کوچک، خسارات جبران ناپذیری در طول زمان به بدنه شهر وارد کرده است. پیش‌نیاز اصل عصمت و دوری از خطا و اشتباه در امامت شهری رشد و ارتقای پژوهش‌های شهری است. لذا بنا بر این اصل، ارتباط مسؤولان شهری با متخصصان دانشگاهی در این زمینه امری اجتناب‌پذیر است.

۲.۲. اصل عدل

عدالت و مساوات از ارکان جامعه شهری است. در دین اسلام در باب این موضوع روایات و احادیث بسیاری نقل شده است. از مهم‌ترین آیات قرآنی در این زمینه آیه ۲۵ سوره حدید، آیه ۱۸ سوره آل عمران و آیه ۱۳۰ سوره یونس است (جعفری، ۱۳۷۷: ۳۰۲). اقدامات نخستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، انسجام و وحدت را در مدینه ایجاد و محدودیت‌های طبقاتی را حذف کرد و بازارها و میادین و فضاهای عمومی را در ارتباط معنوی با خود قرار داد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با اقطاع و وقف زمین و چاه‌های آب و تقسیم ثروت بین مهاجر و انصار و تدوین نخستین پیمان‌نامه عمومی اسلام بین طبقات مختلف موجود در مدینه و تقسیم افراد به حضری و بدوی و تبیین الگوی رفتاری مناسب، عدالت و مساوات را در جامعه توسعه داد. شعار پیامبر تقسیم ثروت‌ها بین مردم و تعالی ارزش‌های انسانی بود.

در روایتی آمده است که امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب، به عمر بن خطاب فرمود: سه چیز است که اگر آن‌ها را در نظر داشته باشی و به آن‌ها عمل کنی، تو را از پرداختن به چیزهای دیگر بی‌نیاز می‌کند. عمر بن خطاب پرسید: «ای ابوالحسن، آن‌ها چیست؟» امام فرمود: «برپا داشتن حدود بر کسان دور و نزدیک و حکم کردن طبق کتاب خدا در حال خرسندی و خشمناکی، و تقسیم کردن عادلانه اموال میان سرخ و سیاه». گفت: «به جان خودم سوگند که کوتاه گفتمی و تمام گفتمی».

۲.۲.۱. وقف یک ابزار مهم به منظور عدالت و توسعه پایدار

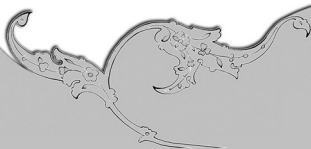
در جامع امروزی از راهکارهای ایجاد عدالت و مساوات فرهنگ غنی اسلامی «وقف»

است. فرهنگ وقف علاوه بر ایجاد عدالت در وضع موجود، یک عدالت بین نسلی در گذر زمان نیز ایجاد می‌کند. وقف از احکام و اصول بسیار مهم در اسلام است که تأثیر بسیار سازنده‌ای در تشویق مردم در احداث بناهای مذهبی و عمومی داشته است. وقف که از آن با نام صدقه جاریه نیز یاد شده است، موجب تعدیل ثروت، تأمین بسیاری از نیازهای اجتماعی و به خصوص سبب عمران شهری است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۴۴).

وقف بهترین و مؤثرترین وسیله تکامل اجتماعی است که آن عبارت است از: مقدار مالی که فرد یا افراد به انتخاب خود از مالکیت مجازی‌شان خارج می‌کنند و به مالکیت حقیقی آن، یعنی خداوند پاک و بلندمرتبه برمی‌گردانند تا مورد استفاده عموم مردم در تحقق عدالت اجتماعی، قرار گیرد.

پروفسور اکارت اهلرز، جغرافی‌دان آلمانی در تأثیرپذیری موقوفات در شهرهای اسلامی شرقی به چهار کارکرد اصلی اشاره می‌کند:

- الف. اعم از مساجد، مدارس علمی و حسینیه‌ها و تکایا و امثال آن است.
 - ب. کمک به فقرا و مستمندان، دانش‌آموزان، اداره و نگهداری برخی از بیمارستان‌ها، حمام‌ها، آب‌انبارها از محل درآمد موقوفات.
 - ج. تهیه و تأمین مسکن ارزان‌قیمت، واگذاری زمین‌های وقفی نه اجاره طویل‌مدت به مردم، واگذاری مغازه‌ها و کارگاه‌ها با اجاره ارزان.
 - د. ایجاد اشتغال در املاک و اماکن متبرکه، تأسیسات، بازرگانی و صنعتی (اهلرز، ۱۳۷۳: ۵۱).
- برای این که مجموعه‌ای وقفی و به خصوص مجموعه‌ای درون شهری بتواند همواره مورد استفاده قرار گیرد، باید متناسب با هزینه‌های جاری و هزینه‌های مربوط به تعمیر و نگهداری آن موقوفات، رقباتی در نظر گرفته شود که درآمد آن‌ها صرف امور مورد نظر شود. در گذشته معمولاً برای این منظور یک یا چند دکان، کاروانسرا و حمام در نظر گرفته می‌شد که درآمد آن‌ها به هزینه‌های فوق اختصاص می‌یافت. این مجموعه شهری جایگاه بسیار مهمی در حیات اجتماعی و به خصوص در توسعه شهری داشت. برای نمونه می‌توان از مجموعه آستان قدس رضوی که تأثیر بسیار مهمی در توسعه شهر مشهد داشته است، نام



برد (شفقی، ۱۳۷۸: ۷۶).

وقف باعث می‌شود تا اثر مال از محدوده منافع شخصی خارج شود. وقف دستور نیست، عملی داوطلبانه است برای برخوردار کردن بقیه مردم از اموال شخصی و نوعی تبدیل ثروت و توزیع درآمد است.

۲.۲.۲. احتکار زمین و مسکن عامل بی‌عدالتی در شهرها

در جوامع امروزی یکی دیگر از منشأهای بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی، پس‌انداز زمین و مسکن به عنوان سرمایه توسط شهروندان است. در روایتی از پیامبر نقل شده است که مسکن مازاد بر نیاز هر مسلمان، در آخرت بر دوش ایشان سنگینی می‌کند. پس‌انداز و احتکار زمین و مسکن توسط اقشار مرفه جامعه یک معضل اجتماعی است که باعث افزایش شکاف اختلاف طبقاتی می‌شود. در جوامع شهری امروز باید برای مقابله با این مشکل، از اهرم‌هایی مثل قوانین مالیاتی، منع خرید و فروش، مالکیت دولتی، مالکیت‌های موقت و امثال آن استفاده کرد.

۳.۲.۲. توزیع خدمات شهری راهکاری در جهت عدالت شهری

از دیگر راهکارهای رسیدن به عدالت و مساوات در جامعه شهری، توزیع خدمات شهری به صورت عادلانه است که همه طبقات جامعه به صورت عادلانه به خدماتی مانند آموزش فرهنگی - تفریحی، حمل و نقل، بهداشتی و درمانی و نظایر آن دسترسی داشته باشند.

۴.۲.۲. مهندسی اجتماعی ابزاری برای تحقق عدالت شهری

در دنیای امروز، مهندسی اجتماعی ابزار تحقق عدالت و مساوات در جامعه شهری است. توجه ویژه به معلولان، سالمندان، کودکان، زنان و امثال آن در برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای مختلف شهر و تأمین دسترسی مناسب برای آنان از اهمیت والایی برخوردار است. در جوامع امروزی شهری، به منظور تحقق عدالت و مساوات، باید اختلاف طبقاتی را کاهش داد و این امر با راهکارهایی از جمله جلوگیری از احتکار زمین و مسکن به وسیله

اهرم‌های مالیاتی و وضع قوانین جدید معاملات ملکی، توزیع متعادل خدمات و امکانات شهری، صورت می‌پذیرد. همچنین ارتقای مهندسی اجتماعی برای استفاده همه اقشار جامعه، به ویژه معلولان و کم‌توانان شهری، از امکانات شهر دارای اهمیت است.

۳.۲. اصل توحید

اصل توحید در جامعه شهری به شکل وحدت نمود پیدا می‌کند. یکی از ارکان حفظ و تثبیت جامعه، حفظ وحدت میان جامعه است. برنامه‌ریزی شهر باید به گونه‌ای باشد که به حفظ وحدت و انسجام جامعه کمک شایانی کند. قرآن کریم بارها به این مقوله از جمله در سوره‌های آل عمران/۱۰۳، عنکبوت/۴۶، شورا/۱۳، اشاره کرده است. یکی از ابزارهای رسیدن به وحدت، کاهش اختلاف طبقاتی در شهرهاست که این امر نیازمند عدالت اجتماعی است. به نوعی عدالت اجتماعی پیش‌نیاز وحدت در جامعه است که درباره این موضوع بیشتر بحث شد. آیه ۱۰ سوره حجرات، یکی از روش‌های ممتاز انسجام اجتماعی را، اشاعه فرهنگ برادری در بین مؤمنان معرفی می‌کند.

در طراحی فضاهای شهری بهتر است که مکان‌هایی برای اجتماع مردم و انجام مراسم مذهبی و ملی در نظر گرفته شود. فضاهایی از این قبیل به وحدت و رأفت در میان عموم کمک می‌کند؛ مصلی‌های نماز جمعه نمونه‌هایی از این فضاها هستند.

مقوله وحدت در بافت شهری نیز می‌تواند نمود پیدا کند. بهترین گزینه برای رسیدن به وحدت، ساختار دایره‌ای شهرهاست که دسترسی شهر برای همه اقشار جامعه را آسان‌تر می‌کند. مقوله وحدت نیز در سیما و ظاهر شهر پدیدار می‌شود. در یک شهر اسلامی ظاهر شهر باید یکنواخت و نیز سیمای شهر باید دارای یک وحدت خاص باشد. بافت قدیم شهرهای ایرانی از این امر پیروی می‌کرده‌اند و ظاهر خانه‌ها دارای وحدتی خاص و باطن خانه با توجه به طبقه اجتماعی خانواده‌ها شکل می‌گرفته است.

در یک جامعه شهری وقتی وحدت شکل می‌گیرد به دنبال آن رأفت ایجاد می‌شود و به دنبال آن برنامه‌ریزی شهری بسیار ساده‌تر صورت می‌پذیرد.



۴.۲. اصل معاد

با توجه به معنای معاد، بازگشت به خدا و یاد او در شهر از اهمیت والایی برخوردار است. برای دستیابی به این موضوع تقویت بعد دینی و پرهیزگاری در شهر، امری ضروری است و در جوامع امروزی تقویت بعد دینی و پرهیزگاری به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی بسیار مهم است. در مقوله دین و مذهب و پرهیزگاری در قرآن کریم بسیار اشاره شده است. از جمله سوره‌های مورد نظر، مریم/۷۶، سوره محمد/۱۷، سوره انفال/۱۷ و سوره اعراف/۹۶ است.

در آیه ۴۰ سوره حج، لازمه یک شهر اسلامی، توجه به عبادتگاه‌های پرستش‌کنندگان خداست که به طور مشخص و قطعی اهمیت فراوان مسجدسازی در شهر اسلامی را نشان می‌دهد. در این زمینه رسول خدا، فرمود: محبوب‌ترین جای شهرها در پیش خدا مسجدهاست (نهج الفصاحه: ۷۱). بدین ترتیب مسجد کانون پیام معنوی و قدسی در اسلام است.

با توجه به آیه ۷۳ سوره نور و آیه ۲۸ سوره رعد، شهر اسلامی و به طور خاص خانه اسلامی، باید جایگاه ذکر خدا باشد؛ زیرا خانه برای سکونت و آرامش است و تنها ذکر خداست که موجب آرامش قلب انسان می‌شود.

با توجه به آیات «و دائم در شب و روز نام خدا را یاد کن و به کلی از غیر خدا علاقه ببر و به او بپرداز» (مزمّل/۸)؛ و «نام خدا را هر صبح و شام به عظمت یاد کن» (دهر/۲۵)، ایجاد ساختار فضایی به شدت با نحوه تفکر مردم در ارتباط است. این بدان معناست که محیط مصنوع بشر با توجه به اندیشه‌های او سرشته شده است. همچنین محیط و شخص در رابطه متقابل با هم قرار دارند و محیط مصنوع، تأثیرات ویژه خود را بر کسانی که در رابطه با آن قرار دارند، اعمال می‌کند.

در باب این موضوع در فضاهای شهری باید از نمادهایی استفاده شود که هر لحظه انسان را به یاد خدا بیندازد. همچنین ذکر و تفکر در شهر اسلامی، تقویم خاصی را برای اهمیت دادن به روزها در شهر به دنبال خواهد داشت. شناخت ایام الله و معرفی آن به شهروندان و تنظیم برنامه‌های خاص و مناسب آن روزها و احداث بناها یا فضاهایی در شهر، که اختصاص به یاد روزهای خدا دارد، می‌تواند از ویژگی‌های شهر در جهت تجلی تفکر و تذکر قرار گیرد.

مسأله نام‌گذاری فضاهای شهری نیز در شهر حائز اهمیت است. با به کار بردن نام‌هایی



که بر فضا گذارده می‌شود، خاطره‌ای جمعی برای شهروندان زنده می‌شود و این نام‌گذاری‌ها باید هدفمند انجام گیرد.

با توجه به قلب اقتصادی شهر، که بازار است، در آیه ۷۳ سوره نور آمده است: «و صبح و شام در آن خانه‌ها تسبیح می‌گویند، مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آن‌ها را از یاد خدا و برپاداشتن یاد خدا غافل نمی‌کند».

با توجه به آیه مذکور، همچنین با توجه به این که بازار مکانی وسوسه‌انگیز است و شیطان در آن به راحتی نفوذ می‌کند، طراحی بازار باید به صورتی باشد که همیشه و در همه وقت یاد خدا در قلب شهروندان زنده شود و بُعد معنوی آن بیشتر از بُعد مادی، متجلی شود. در کل تمام برنامه‌ریزی‌های فضایی شهر اسلامی با توجه به عقاید اسلامی و برنامه‌های زمانبندی روزمره‌گی جامعه، باید بر اساس اوقات شرعی باشد و بعد معنوی شهر بسیار فراتر از دیگر ابعاد شهر باشد. هر چقدر بعد معنوی شهر بالاتر رود به همان میزان نرخ آسیب‌های اجتماعی شهر نیز کاهش می‌یابد و در نتیجه امنیت افزایش می‌یابد و در بسیاری از هزینه‌های اداری شهر نیز صرفه‌جویی می‌شود.

۳. نتیجه

برنامه‌ریزی شهری یکی از علمی است که جایگاه مهمی در هدایت جوامع انسانی به سمت سعادت بشری دارد و این برنامه‌ریزی به منظور دستیابی به چهارچوبی مطمئن، نیاز به اصول خاص خود دارد. از طرفی دین اسلام دارای اصولی است که مبنای هر حرکتی در جهان اسلام است. این اصول عبارتند از نبوت، امامت، عدل، توحید و معاد. با بکارگیری این اصول در برنامه‌ریزی شهری، امید است بی‌هویتی در برنامه‌ریزی شهرهای اسلامی برطرف شود. در شهرهای امروزی جهان اسلام، اصول برنامه‌ریزی شهری بیشتر از فرهنگ غربی مشتق می‌شود. در این مقاله سعی شده است که از اصول اسلامی در برنامه‌ریزی شهری به عنوان چهارچوب اصلی استفاده شود. لازم به ذکر است که در تعریف این چهارچوب، نیاز به ارتباطی عمیق میان علوم اسلامی و علوم شهری احساس می‌شود که این امر مستلزم پیوند عمیق‌تر حوزه و دانشگاه است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج الفصاحه
- اهلرزا، اکارت. (۱۳۷۲). «شهر شرقی اسلامی (مدل و واقعیت)». ترجمه محمدحسن ضیا توانا و مصطفی مؤمنی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۳۲، مشهد.
- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۷). تکاپوی اندیشه‌ها، جلد اول، تهران: فرهنگ اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۳۶۲). ترجمه و شرح باب حادی عشر، ترجمه و شرح محمدتقی محمدی، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- حمصی رازی، سدیدالدین. (۱۴۱۲). المنفذ من التقليد، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- سلطانزاده، حسین. (۱۳۶۲). روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران: آگاه.
- شفق، سیروس. (۱۳۷۸). «نقش بازار در ساختار فضایی شهرهای اسلامی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۴۱۱). تفسیرالقرآن، تصحیح محمد خواجهی، قم: بیدار.
- طوسی، خواجه نصیرالدین. (۱۳۳۵). فصول العقاید، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- فارابی، ابونصر. (۱۹۹۱). آرای اهل‌المدینه الفاضله، تحقیق دکتر البیر نصری نادر، بیروت: دارالمشرق.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
- ممتحن، مهدی. (۱۳۸۹). «امامت و دیدگاه قرآن و اندیشمندان». فصلنامه علمی - پژوهشی فدک، س اول، ش ۱.
- یوسفی‌راد، مرتضی. (۱۳۸۹). «امامت در مقایسه دو رویکرد کلامی و فلسفی». فصلنامه علمی - پژوهشی اندیشه نوین، س ۶ ش ۲۰.